



تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر سبزوار)

سید هادی حسینی^۱، حسین قدرتی^۲، سید حمید جوادیان^۳

استان خراسان رضوی، سبزوار، توحید شهر، دانشگاه تربیت معلم سبزوار، دانشکده ادبیات، مرکز پژوهشی جغرافیایی و اجتماعی.
hhosseini^{۵۹}@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، واکاوی و شناخت عواملی است که می‌توانند در گسترش مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها موثر باشند. روش تحقیق، ترکیبی است از روش تحلیل داده‌های ثانویه و روش پیمایشی. ابزار گردآوری اطلاعات مبتنی است بر بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات، اسناد طرح‌ها و ... در طرح مسئله و تدوین چهارچوب نظری تحقیق و استفاده از ابزار پرسش‌نامه در بررسی مطالعه تجربی محدوده مورد مطالعه. در روش تحلیل اطلاعات نیز تاکید بر استفاده از روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی) بوده است. محدوده مورد مطالعه، شامل مناطق منتخب شهر سبزوار در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. حجم جامعه آماری برابر با ۵۸۷۲۶ خانوار و حجم نمونه برابر با ۳۸۲ خانوار بوده است. ضریب پایایی برای کل گویه‌ها بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ و برای گویه‌های تمامی زیر بخش‌ها نیز بالاتر از ۰/۷۲ می‌باشد که نشان‌دهنده مناسب بودن گویه‌ها است. متغیر وابسته تحقیق مشارکت شهروندان در اداره امور شهر و متغیرهای مستقل نیز شامل سن، تعداد سال‌های سکونت در شهر، سطح تحصیلات، نوع تصرف واحد مسکونی، سطح همبستگی و تعاملات اجتماعی شهروندان و میزان تعلق مکانی شهروندان می‌باشد. یافته‌های حاصل از این تحقیق گویای آن هستند که ۱ میان نوع تصرف واحد مسکونی (احساس مالکیت) و علاقه شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۲ بین تعداد سال‌های سکونت در شهر/محل و مشارکت شهروندان در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۳ بین متغیر سن شهروندان و مشارکت آنان در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت توسعه شهر، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ۴ میان سطح تحصیلات شهروندان و تمایل آنان به مشارکت در امور شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۵ میان همبستگی اجتماعی شهروندان (محل، ناحیه یا شهر) و سطح مشارکت آنان در فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۶ احساس تعلق مکانی شهروندان و سطح مشارکت آنان در مدیریت شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۷ بررسی‌ها نشان داد که با افزایش میزان مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت توسعه شهر، بر میزان رضایتمندی فرد از زندگی نیز افزوده می‌شود.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، مشارکت شهروندی، رضایتمندی از زندگی، سبزوار

- ۱- نویسنده مسؤل مکاتبات و استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و مطالعات اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- ۲- استادیار جامعه‌شناسی، مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و مطالعات اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مشهد و کارشناس مرکز پژوهشی دانشگاه تربیت معلم سبزوار.





۱- مقدمه

روند رو به رشد جمعیت و شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی از یک سو و ناکارآمد بودن روش های مدیریت و کنترل توسعه شهری جهت رفع مشکلات و تنگنایهای مذکور از سوی دیگر، شهرهای نابسامان و ناپایداری را خلق نموده است که برخی از نمودهای آن را می توان در شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی، گسترش کالبدی شهرها، شکل گیری مجموعه های شهری و افزایش هزینه های ایجاد زیرساخت ها، مشکلات اجتماعی و فرهنگی چون افزایش ناامنی و جرم و جنایت، وندالیسم شهری، افزایش شکاف طبقاتی فقیر و غنی و ... مشاهده نمود. اما باید گفت که مسائل یاد شده، معلول بوده و علت اصلی را باید در جایی دیگر جستجو کرد. بدون شک یکی از اصلی ترین علت های ایجاد چنین نابسامانی ها و ناپایداری های، چالش های مدیریتی است و در این میان نبود مدیریت یکپارچه شهری و به خصوص شکل نگرفتن مدیریت مشارکت محور که مبتنی بر کشش متقابل و فعالانه و متعهدانه تمامی ذینفعان و بازیگران کلیدی دخیل در مدیریت توسعه شهری است، یکی از علت های اساسی و شاید علت العلل تمامی مسائل و مشکلات می باشد.

از سوی دیگر امروزه توسعه پایدار شهری به کتون تمامی مباحث مدیران و مسئولین و اندیشمندان حوزه های شهری جهت ایجاد و ارتقاء شهرهایی با کیفیت بالای زندگی تبدیل شده است. بررسی ها در سطح بین المللی نشان می دهد که مولفه کلیدی در جهت دستیابی به چنین توسعه ای، درگیر ساختن شهروندان در مسائل و مشکلات حوزه های مختلف می باشد. چرا که جوهره مفهوم مشارکت در مدیریت شهری، خلق و اداری فضاهایی هرچه مطلوب تر و پایدارتر برای ساکنین شهر است و در نظریه های رایج جهانی امروز نیز یکی از اصلی ترین و مقبول ترین راهبردها برای نیل به حداکثر مطلوبیت و پایداری، مشارکت می باشد که از آن جمله می توان به نظریه حکمروایی خوب (Good Governance) اشاره نمود که اولین ویژگی آن مشارکت می باشد. حکمرانی شهری بر خلاف مدیریت شهری فرآیندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربناها و خدمت شهری می پردازد حکمرانی شهری فرآیند کاملاً سیاسی است، این حکمرانی شامل ساز و کارها، فرآیندها و مؤسساتی می شود که از طریق آن ها، شهروندان و گروه های مختلف علائق خود را ابراز می دارند، اختلاف نظرهای خود را تعدیل می کنند و به توافق نظر می رسند و بر اساس حقوق و تعهدات قانونی خود عمل می کنند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹).

در نظریه توانمندسازی نیز که بسیار مورد توجه دولت ها و سازمان های بین المللی قرار گرفته است، مشارکت جایگاه اساسی دارد. توانمند سازی در واقع هدف قرار دادن تقویت امکانات افراد برای کنترل بر زندگی خویش است. اگر قدرت عبارت است از توانایی افراد در پیش بینی، کنترل و مشارکت در محیط، آن گاه می توان گفت: توانمندسازی، فرایندی است که طی آن، افراد و اجتماعات می توانند چنین قدرتی را به کارگیرند و به طور موثر در تغییر زندگی خود و محیطشان اعمال کنند، توانمندسازی باید از درون یک گروه منشأ بگیرد و این امر، از طریق رفع موانع به کارگیری قدرت و فراهم آوردن زمینه های مناسب برای قدرتمند شدن شهروندان میسر است. توانمندسازی در مسیر فرایند حکمروایی خوب شهری تحقق می یابد و نمی توان این اقتدار را به طور جداگانه به فرد یا گروهی خاص اعطا کرد. در فرایند توانمندسازی، مشارکت به عنوان نوعی واسطه در حرکت به سوی کسب اقتدار به کار می رود (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۵۶). همچنین محور اصلی بحث ها در گزارش های توسعه انسانی سازمان ملل، توجه به عاملیت انسانی است و در





سال‌های اخیر نیز لزوم مشارکت مردمی در مراحل مختلف تکوین فرایند توسعه مورد توجه جدی قرار گرفته است و توجه به فعالیت‌های مشارکتی مردم، راهبرد جدید توسعه عنوان شده است (ربانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۲).

در ایران، در سال‌های اخیر به نحو فزاینده‌ای سخن از مشارکت شهروندان در تمامی امور به مطرح بوده است. این مشارکت به شکلی نامعمول و نامطلوب در حوزه شهرسازی ظهور یافته است، به بطوریکه می‌توان گفت در مشارکتی که اکنون در حوزه شهرسازی مطرح است، مفهوم مشارکت قلب ماهیت شده است و هسته مرکزی آن نیز قدرت یافتن شهروندان و تاثیر گذاری بیشتر آن‌ها بر طرح‌های شهری می‌باشد. متأسفانه علیرغم وجود آموزه‌های ارزشمندی در سطح جهانی و بعد از گذشت حدود ۱۴ سال از تشکیل شوراهای اسلامی شهر و با وجود اینکه برخی از مواد قانون شوراها برای تکمیل حرکت انتخابی شدن مدیریت شهری اقدام جدی انجام نشده است. آنچه در حال حاضر در طرح‌هایی که با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می‌گردد، به هیچ وجه ناظر بر این مفهوم نبوده و عمدتاً عبارت است از تأمین اعتبار مالی طرح یا پیش‌فروش واحدهای احداثی (سعیدی رضوی، ۱۳۸۴: ۱۶). متأسفانه امروزه شهروندان در اداره امور شهر و برنامه‌ریزی برای آن نقش عمده‌ای نداشته و بعد از شرکت در انتخاب اعضای شوراها فعالیت موثر دیگری ندارند. در واقع بخش عمده‌ای از مفهوم مشارکت در ایران، در همان بخش اول که مشارکت شعاری است، باقی مانده است و هدف اصلی مدیران و برنامه‌ریزان از طرح مفهوم مشارکت، نگاهی ابزارآزمایی است در جهت تأمین منافع عمده برنامه‌ریزان و کارفرمایان. در بخش عمده‌ای از طرح‌ها نظرخواهی از شهروندان صورت نمی‌گیرد، حق اعتراض به طرح و نظارت شهروندان وجود ندارد و جریان اطلاعات عمدتاً یک‌سویه است.

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل نقش تأثیرات و تأثرات متقابلی است که بین مشارکت شهروندی و مؤلفه‌های کیفیت زندگی شهری در راستای نیل به توسعه پایدار شهری وجود دارد. به طور قطع، شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهرها، می‌تواند اولین گام باشد در جهت حرکت از مشارکت شعاری شهروندان به سمت مشارکت محدود و در نهایت نیل به مشارکت واقعی آن‌ها.

در همین راستا شهر سبزوار به عنوان محدوده مطالعه مورد انتخاب گردید این شهر به واسطه قرارگیری در مسیر عبور سالیانه بیش از ۱۰ میلیون زائر حرم امام رضا و همچنین داشتن موقعیت چهارراهی و پیشینه تاریخی کهن از پتانسیل مناسبی جهت توسعه برخوردار است. اما متأسفانه به واسطه عدم شناخت پتانسیل‌ها و امکانات بالقوه و فقدان اولویت بندی صحیح در خصوص چالش‌های پیش روی توسعه شهر، روند برنامه‌ریزی‌ها در این شهر نتوانسته است به توسعه پایدار شهری بیانجامد. فقدان هماهنگی شدید بین سطوح کلان و میانی و خرد مدیریت توسعه شهری، ناهماهنگی در تهیه طرح‌های توسعه شهری (طرح‌های جامع، تفصیلی، طرح‌های موضوعی سایر سازمان‌ها و ...)، ناپایداری منابع مالی مدیریت شهری، عدم تحقق سرانه فضاهای خدماتی پیشنهادی طرح جامع، توزیع ناعادلانه خدمات شهری در سطح نواحی شهری و ... بخشی از چالش‌های پیش روی مدیران شهری در جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری می‌باشد. بهره‌گیری از مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری و اهتمام به مشارکت واقعی آن‌ها در امور می‌تواند تأثیری اساسی در برطرف ساختن بخش عمده‌ای از مشکلات و چالش‌های شهر و دستیابی به توسعه پایدار شهری داشته باشد.





۲- روش تحقیق

ماهیت تحقیق حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای کاربردی و به لحاظ روش تحقیق نیز ترکیبی است از روش تحلیل داده‌های ثانویه و پیمایشی (به طور خاص از تکنیک پرسش‌نامه استفاده گردید). به لحاظ آنکه، آزمون برازش نیکویی داده‌ها و تعیین میزان پایایی (**Reliability** و روایی (**Validity**) آن‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مقاله در تدوین گویه‌های تحقیق از گزاره‌های تحقیق (بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق) استفاده گردید. همچنین در جهت روایی بالای مقیاس اندازه‌گیری (پرسشنامه)، پس از تدوین آن‌ها مبتنی بر انجام روایی صوری، از نظرات اساتید، صاحب‌نظران و دانشجویان دکتری ذیصلاح در جهت سنجش اعتبار محتوایی نیز بهره برده شد که اکثریت آن‌ها مناسب بودن گویه‌ها را تایید نمودند. همچنین با توجه به نوع مقیاس سنجش ابزار، جهت محاسبه انسجام درونی ابزار و هم‌سازی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. جدول (۱) میزان هم‌سازی درونی و صحت اعتبار گویه‌های طراحی شده برای این پژوهش بر اساس ضریب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- مقادیر ضریب آلفای کرونباخ برای آزمون میزان پایایی گویه‌های تحقیق

کل گویه‌ها	مشارکت در امور	رضایتمندی از زندگی	احساس تعلق مکانی	همسنگی و تعاملات اجتماعی	امنیت اجتماعی
۰/۹۱۲۶	۰/۸۳۵۶	۰/۸۲۴۰	۰/۸۲۶۳	۰/۹۱۷۶	۰/۵۹۰۲

۳- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش سرپرستان خانوارهای نواحی شهری دو، سه شهرداری سبزوار می‌باشد که بر اساس آمارگیری سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۳۴۷۱ خانوار می‌باشند. نظر به اینکه گردآوری پرسشنامه از کل جامعه آماری غیرممکن می‌نمود، با شناسایی حجم نمونه‌ای متناسب به این کار اقدام گردید. برای انتخاب حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که با توجه به مشخص بودن حجم جامعه آماری و ضریب اطمینان ۹۵٪ مقدار حجم نمونه برابر با ۳۸۲ نمونه برآورد گردید. در این تحقیق با توجه به گستره وسیع محدوده مورد پژوهش و عدم امکان پیمایش در تمامی محدوده شهر، از ناحیه بندی‌های شهرداری سبزوار استفاده گردید. بدین صورت که از میان نواحی دوازده‌گانه، نواحی دو و سه انتخاب گردیدند و از میان محله‌های این نواحی نیز به ترتیب محله دو از ناحیه ۲ و محله سه از ناحیه ۳ جهت تحلیل‌های پیمایشی انتخاب گردیدند.

$$n = \frac{Nz^2pq}{nd^2 + z^2pq} = \frac{(58276)(1.96)^2(0.5)(0.5)}{(58276)(0.05)^2 + (1.96)^2(0.5)(0.5)} = 382$$





جدول شماره ۲: توزیع پرسشنامه‌ها در محدوده‌های منتخب بر اساس تعداد خانوار

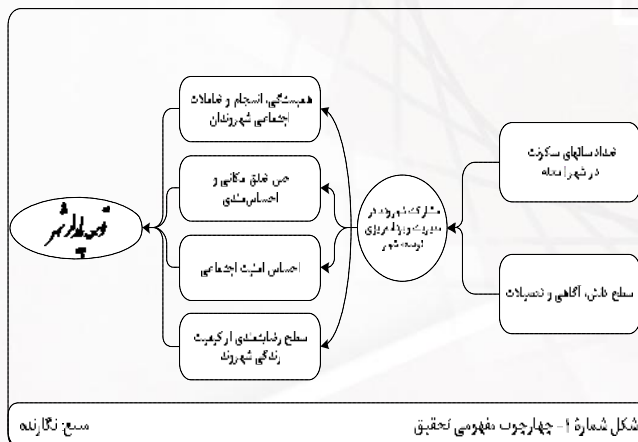
شماره ناحیه/محلّه	تعداد جمعیت ناحیه	تعداد جمعیت محلّه	تعداد خانوار محلّه	درصد	تعداد پرسشنامه
۲/۲	۲۴۴۱۷	۱۱۹۹۴	۳۲۴۲	۷۱	۲۷۱
۳/۳	۲۵۴۲۴	۴۹۴۲	۱۳۳۶	۲۹	۱۱۱
مجموع	۴۹۸۴۱	۱۶۹۳۶	۴۵۷۸	۱۰۰	۳۸۲

۴- فرضیه‌های تحقیق

- ۴-۱- به نظر می‌رسد هر چه قدمت سکونت شهروند در محلی بیشتر باشد، تمایل او به مشارکت در امور و بالطبع بهبود کیفیت زندگی‌اش بیشتر خواهد شد.
- ۴-۲- به نظر می‌رسد میان افزایش دانش، آگاهی و تحصیلات شهروندان و میزان تمایل و علاقه آن‌ها به مشارکت در مدیریت توسعه شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۴-۳- به نظر می‌رسد ارتقاء سطح مشارکت شهروند در امور شهری می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی شهروندان با یکدیگر و در نهایت بهبود کیفیت زندگی آن‌ها شود.
- ۴-۴- به نظر می‌رسد مشارکت شهروند در مدیریت توسعه شهری می‌تواند به ایجاد و بهبود حس تعلق مکانی و احساس هویت‌مندی در میان شهروندان به عنوان پیش‌نیاز توسعه پایدار شهری منجر گردد.
- ۴-۵- به نظر می‌رسد ارتقاء سطح مشارکت شهروندان در امور شهری می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء سطح امنیت اجتماعی در شهر/محلّه سکونتی آن‌ها شود.
- ۴-۶- به نظر می‌رسد میان مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهر و سطح رضایتمندی آن‌ها از زندگی‌شان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- متغیرهای تحقیق

هدف اصلی این تحقیق تحلیل و بررسی ارتباط میان مشارکت شهروندی و بهبود سطح رضایتمندی و کیفیت زندگی





توسعه شهر مورد بررسی قرار گرفت و سپس در گام دوم، برای کشف ارتباط میان مقوله مشارکت شهروند در مدیریت توسعه شهر به عنوان متغیر مستقل و توسعه پایدار شهری به عنوان متغیر وابسته در قالب چهار متغیر الف ارتقاء سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی شهروندان، ب ارتقاء حس تعلق مکانی و هویت مندی شهروندان، پ ارتقاء سطح امنیت اجتماعی و ت ارتقاء سطح رضایتمندی و بهبود کیفیت شهروندان با استفاده از تحلیل های آماری توصیفی و استنباطی بررسی های لازم صورت گرفت. شکل شماره ۱ چهارچوب فرایند انجام پژوهش را به صورت شماتیک نشان می دهد.

۶- مبانی نظری تحقیق

۶-۱- مفهوم شناسی مشارکت

برنامه توسعه سازمان ملل متحد مشارکت را درگیری فعال افراد ذینفع یا بهره برداران در ارائه پنداره ها و تلفیق بهینه زمان و منابع، تصمیم گیری، و کنش در راستای تحقق یک هدف مطلوب توسعه «می داند. از نگاهی دیگر، مشارکت را می توان» درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی دانست که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند». در این تعریف سه جزء مهم و نکته کلیدی وجود دارد: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت که به اجمال اشارهای به آنها خواهد شد.

☞ درگیری ذهنی و عاطفی: در مشارکت خود شخص درگیر است و تنها مهارت و توانائی های او یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روان شناختی است نه جسمانی. انسانی که مشارکت می کند خود درگیر است و نه کار-درگیر، بنابراین مشارکت فقط کوشش هایی پراکنده نیست، بلکه تمام روح و جسم فرد برای تحقق هدف در جریان مشارکت به کار گرفته می شود.

☞ انگیزش برای یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می یابد که از قابلیت ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف های گروهی استفاده نماید، از این رو مشارکت با موافقت فرق دارد. در موافقت، موافقت کننده یاری ویژه ای نمی کند، بلکه تنها آنچه را که پیش رویش می گذارند تصویب می کند. در واقع در موافقت، نقش اصلی را تصمیم گیرنده بازی می کند که می کوشد تا با استفاده از توانایی های خویش، جمع را به موافقت وادارد. اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است.

☞ پذیرش مسئولیت: پذیرش مسئولیت، اشخاص را بر می انگیزد تا در کوشش های گروه خود، سهمی جدی را بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می یابد که بی تفاوتی و بی مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم سرنوشتی و مسئولیت بدهد. به عبارت دیگر هنگامی معنی دارد که فرد امکان انتخاب و آزادی اختیار داشته باشد و آزادانه قبول مسئولیت کند (طوسی، ۱۳۸۰: ۵۴).

۶-۲- رویکردها به مشارکت شهروندی

در دهه های اخیر متفکرین و صاحب نظران حوزه اجتماعی مشارکت شهروندی را با سه رویکرد مورد بررسی قرار داده اند:



در نگاه نخست مشارکت به عنوان رکنی از حیات اجتماعی و بخش مهمی از هویت جامعه انسانی مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است. که طبیعتاً این نگاه عمیق‌ترین، موجه‌ترین و والاترین رویکرد به مشارکت را نشان می‌دهد. این نگاه مشارکت را در مقام هدف و شیوه مطلوب زندگی اجتماعی می‌داند و آن را یکی شاخصه‌های اجتماعی توسعه‌یافتگی جوامع می‌شناسد.

در نگاه دوم، به مشارکت در رابطه با توسعه و دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره نگریسته می‌شود. در اینجا شاهد حضور رویکردی ایزاری هستیم که مشارکت شهروندی را ابزار و وسیله‌ای برای توسعه یا هر نوع تحول دیگری در جامعه می‌داند و معتقد است با حضور شهروندان و طرح دیدگاه‌ها و خواسته‌هایشان، توسعه و کارآمدی مردمی‌تر و به نیازهای واقعی افراد نزدیک‌تر می‌گردد و در نتیجه می‌تواند از تمام توانمندی‌ها و منابع فردی و جمعی جامعه استفاده کند. بدین ترتیب بسیج شهروندان و منابع جامعه در جهت توسعه ایجاد می‌شود.

و در نگاه سوم که رویکرد فردی به مشارکت است، به خصوصیات افراد مشارکت کننده تأکید و توجه می‌شود. انگیزه‌ها، علائق، هزینه‌ها و پاداش‌ها، رفتارهای شهروندان و عوامل زمینه‌ساز آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. دلایل تمایل به مشارکت و بی‌میلی دیگران به آن بررسی و ریشه‌یابی می‌شود تا راه‌های تقویت مشارکت هموارتر گردد.

در دو رویکرد نخست، شاهد سطح تحلیلی کلان از موضوع هستیم که با جامعه به عنوان یک کل سرو کار دارد. در این دو نگاه مشارکت و تفاوت‌های آن در جوامع گوناگون، در دوره‌های تاریخی مختلفه اشکال مختلف مشارکت و عوامل موثر بر آن در جامعه‌ها مورد عنایت است. در حالی که در رویکرد سوم، تحلیل در سطح فردی و خرد است و شهروندان و رفتار آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. بایستی به این نکته توجه نمود که این رویکردها مکمل یکدیگرند و نمی‌توان یکی را به نفع دیگری حذف کرد. یعنی باید اصل مشارکت شهروندان و ایجاد جامعه‌ای مشارکتی هدف نهایی و راهبردی جامعه باشد، در این راستا لازم است از مشارکت سازمان‌یافته شهروندان و گروه‌های اجتماعی مختلف در فرایندهای توسعه و تحقق بهتر اهداف و وظایف سازمان‌های خدماتی و اجرایی بهره‌گرفت و این فرایندها را سرعت بخشید و با کیفیت بهتر به انجام رساند و در عین حال باید بررسی کرد و دریافت که در چه شرایطی و تحت تاثیر چه عواملی شهروندان گرایش ذهنی و عینی بیشتری به مشارکت پیدا خواهند کرد، یعنی هم میل به مشارکت دارند و آن را می‌پذیرند و هم در عمل و در زندگی اجتماعی عینی خود به آن پایبند و عامل به آن خواهند بود.

در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. این دیدگاه فرایندهای ساختاری و اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت، پویایی گروهی، سطح آموزش و منزلت اجتماعی را بر مشارکت موثر می‌داند (دانشپور، ۱۳۸۸: ۶۲).

در دیدگاه روان‌شناختی مشارکت، بر عوامل روانی و درونی تأکید می‌شود از نظر متخصصان این حوزه ساخت انگیزشی افراد تعیین کننده رفتار مشارکتی آنان است. در دیدگاه روان‌شناختی مشارکت بر عوامل انگیزه و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل تعیین کننده نگرش‌های فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی شناخته می‌شود (همان).

در دیدگاه قدرت و مدیریت مداری بر شناخت مسائل شهری و فهم مشکلات در قالب برنامه‌ریزی سازمانی تأکید شده است. نقش مدیریت در توزیع منابع، سبب انطباق و سازش افراد با محیط می‌شود. هرچه اندازه سازمان، تراکم و ناهمگونی آن بیشتر باشد،





بی تحرکی، بی سازمانی و بی هنجاری در آن گسترش می یابد (نجاتی حسینی، ۲۰: ۱۳۸۱) که پیامد آن عدم مشارکت در امور است. عدم مشارکت تأثیرات منفی مخربی بر فعالیت های خدمات شهری چون امور رفاهی، عمرانی، فرهنگی تفریحی، ایمنی و نظارتی می گذارد. در این میان، نقش مدیران در اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به شهروندان، حفظ منافع مادی و اجتماعی و بستر سازی برای رفتار مشارکتی در تشکل ها و انجمن های داوطلبانه حائز اهمیت است.

در نظریه نیازسنجی، بر نیازهای خاص شهروندان اشاره شده که با روش های مناسب به آن ها پاسخ داده می شود. یکی از این شیوه ها، مشارکت در فرایندهای شهری است. دانیل لرنر به ارتباط پدیده های شهرنشینی، سواد، رسانه ها، مشارکت و نوسازی پرداخته است. از نظر او، سه عامل اول در ارتباط متقابل با یکدیگرند و مشارکت در آن ها به معنای مشارکت سیستم کلی جامعه است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۷۲). بعلاوه ابزارها، مدل ها، تکنیک ها و الگوهای مشارکت آشکار می سازد که مشارکت دارای اشکال گوناگون و سطوح متفاوت است که با طراحی صحیح می تواند بازتاب حضور واقعی مردم در عرصه های مختلف باشد و یا به عنوان ابزاری در دست مدیران قرار گرفته و صرفاً جنبه صوری پیدا کند یا عوام فریبی تلقی شود. مشارکت دربردارنده تمام فعالیت هایی است که بر تصمیم گیری ها و تخصیص منابع مؤثر است و باید به گونه ای ساماندهی شود که انتظارات جامعه را فراهم سازد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۳۳۰).

دیوید دریسکل (David Driskell) از نظریه پردازان مسائل شهری نیز در اثر خود با عنوان «شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان» معتقد است مشارکت بر سه اصل ذیل مبتنی است: الف توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد، ب مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند و پ مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم گیری دارند. وی اشکال مختلف مشارکت را در دو دسته کلی تر مشارکت و عدم مشارکت جای می دهد. از نظر وی اشکال عدم مشارکت عبارتند از دست کاری و تقلب، تزئین و مساوات طلبی نمایشی؛ و اشکال مشارکت نیز عبارت هستند از مشاوره بسیج اجتماعی، مسئولیت پذیری مردم و سهیم شدن در تصمیمات. Driskell, ۲۰۰۲: ۳۲ در سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸. مشارکت اجتماعی یک حرکت نظام دار است که از افراد گروه ها و جامعه سر می زند و هدف خاصی را دنبال می کند. مشارکت در تشکل ها و نهادهای مدنی و فعالیت های داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه ریزی ها، اجرای برنامه ها و ارزشیابی آن هاست. تبلور عینی این تفکرات و مدل ها را می توان در سیستم های مدیریت شهری بسیاری از کشورهای جهان یافت. این نظام ها می توانند به منظور طراحی الگوها، برنامه ها و سازوکارهای مشارکت در مدیریت شهری مورد مطالعه قرار گیرند تا الگوی مشارکت شهروندی متناسب با شرایط خاص جامعه ایران تدوین گردد.

۷- یافته های تحقیق

در جهت تجزیه و تحلیل داده های تحقیق و آزمون فرضیه های پژوهش از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده گردید که در ادامه همراه با آزمون فرضیه های تحقیق، به بررسی یافته های تحقیق نیز پرداخته خواهد شد:

۷-۱- به نظر می رسد هر چه قدمت سکونت شهروند در محلی بیشتر باشد تمایل او به مشارکت در امور و بالطبع بهبود کیفیت زندگی اش بیشتر خواهد شد.





بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل مدت سکونت و متغیر وابسته مشارکت شهروندان در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی دو متغیر فوق برابر با ۰/۱۹۸ و سطح معنی‌داری آن‌ها نیز با ۹۹٪ اطمینان برابر با ۰/۰۰۴ می‌باشد که گویای تأیید فرضیه فوق می‌باشد. تحلیل توصیفی یافته‌ها بر اساس جدول شماره (۳) نیز گویای آن است که با افزایش تعداد سال‌های سکونت شهروند در یک منطقه یا محله شهری بر میزان علاقه‌مندی و تمایل او به مشارکت در مدیریت شهری نیز افزوده می‌شود. بطوریکه بیشترین فراوانی‌ها در این رابطه مربوط به گروه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشد.

جدول شماره ۳- رابطه بین قدمت سکونت شهروندان در شهر/محله با سطح تمایل آن‌ها به مشارکت در مدیریت توسعه شهر

مشارکت شهروندی	کم	متوسط	زیاد
تعداد سال‌های سکونت کمتر از ۵ سال	۷۸٫۶	۱۰٫۷	۱۰٫۷
بین ۵-۱۰ سال	۶۹٫۵	۲۰٫۰	۱۰٫۵
بین ۱۰-۲۰ سال	۷۱٫۸	۱۹٫۱	۹٫۱
بین ۲۰-۳۰ سال	۶۱٫۱	۲۶٫۳	۱۲٫۶
بیشتر از ۳۰ سال	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰

۴-۲- به نظر می‌رسد میان افزایش دانش، آگاهی و تحصیلات شهروندان و میزان تمایل و علاقه آن‌ها به مشارکت در مدیریت توسعه شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده گردید. ضریب همبستگی دو متغیر فوق برابر با ۰/۱۵۴ و سطح معنی‌داری آن‌ها نیز با ۹۵٪ اطمینان برابر با ۰/۰۲۰ می‌باشد که گویای تأیید فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار میان سطح تحصیلات، دانش و آگاهی شهروندان با سطح علاقه و تمایل آن‌ها به مشارکت در مدیریت توسعه شهری است. تحلیل توصیفی یافته‌ها (جدول شماره ۴) نیز نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات و دانش شهروندان بر میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری نیز افزوده می‌شود.

جدول شماره ۴- رابطه بین سطح تحصیلات شهروندان با سطح مشارکت و درگیری آنان در مدیریت شهری

سطح تحصیلات	مشارکت شهروندی	کم	متوسط	زیاد
ابتدایی	۸۱٫۷	۱۳٫۳	۵	
راهنمایی	۷۶	۱۴	۱۰	
دیپلم	۷۴٫۱	۱۳٫۲	۱۲٫۷	
فوق دیپلم	۶۵	۱۸٫۳	۱۶٫۷	
لیسانس	۶۷٫۱	۲۱٫۲	۱۱٫۸	
فوق لیسانس	۴۴	۳۲	۲۴	



۳-۲- به نظر می‌رسد ارتقاء سطح مشارکت شهروند در امور شهری می‌تواند زمینه ساز ارتقاء سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی شهروندان با یکدیگر و در نهایت بهبود کیفیت زندگی آن‌ها شود.

برای بررسی این نکته که آیا ارتباطی میان مشارکت شهروند در مدیریت توسعه شهری و ارتقاء سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی شهروندان (محل، ناحیه یا شهر) وجود دارد یا خیر، از ۱۴ گویه استفاده گردید که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱۷۶ برای این گویه‌ها نشان از پایایی بالای آن‌ها دارد. برای آزمون فرضیه، از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده گردید. ضریب همبستگی دو متغیر فوق برابر با ۰/۵۴۵ و سطح معنی‌داری آن‌ها نیز در سطح ۹۹٪ اطمینان برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که بر این اساس، فرضیه فوق تأیید می‌گردد. جدول شماره (۵) تحلیل توصیفی رابطه میان دو متغیر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و همبستگی و انسجام اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. این جدول نشان می‌دهد که با افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی آن‌ها نیز افزوده می‌شود.

جدول شماره ۵- رابطه بین سطح همبستگی و تعاملات اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری

مشارکت شهروندی همبستگی اجتماعی	کم	تا حدودی	زیاد
خیلی کم	۸۱/۸	۱۰/۶	۷/۶
کم	۷۲/۸	۱۶/۷	۱۰/۵
تا حدودی	۶۲/۴	۲۴/۶	۱۳/۱
زیاد	۵۰/۵	۲۷/۹	۲۱/۶
خیلی زیاد	۴۰/۷	۳۲/۳	۳۷

۴-۲- به نظر می‌رسد مشارکت شهروند در مدیریت توسعه شهری می‌تواند به ایجاد و بهبود حس تعلق مکانی و احساس هویت مندی در میان شهروندان به عنوان پیش‌نیاز توسعه پایدار شهری منجر گردد.

برای بررسی اینکه آیا ارتباطی میان مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه شهر و ایجاد احساس تعلق مکانی و هویت مندی در آنان وجود دارد یا خیر، از ۱۰ گویه استفاده گردید. ضریب پایایی گویه‌ها برابر با ۰/۸۲۶۳ محاسبه گردید. ضریب همبستگی دو متغیر فوق برابر با ۰/۴۴۴ و سطح معنی‌داری آن‌ها نیز در سطح ۹۹٪ اطمینان برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که گویای تأیید فرضیه فوق مبنی بر ارتباط میان مشارکت شهروندی و هویت مندی و احساس تعلق مکانی می‌باشد. همچنین تحلیل توصیفی یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد که با افزایش سطح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر میزان هویت مندی و احساس تعلق مکانی آنان نیز افزوده می‌شود (جدول شماره ۶).





جدول شماره ۶- رابطه بین احساس تعلق شهروندان با سطح مشارکت و درگیری آنان در مدیریت شهری

زیاد	تا حدودی	کم	مشارکت شهروندی هویت مندی و احساس تعلق مکانی
۹	۶/۴	۸۴/۶	خیلی کم
۲/۲	۱۴/۲	۸۳/۶	کم
۸/۱	۱۶/۸	۷۵/۱	تا حدودی
۱۲/۷	۱۸	۶۹/۳	زیاد
۲۰/۱	۲۰/۲	۵۹/۷	خیلی زیاد

۵-۷- به نظر می رسد ارتقاء سطح مشارکت شهروندان در امور شهری می تواند زمینه ساز ارتقاء سطح امنیت اجتماعی در شهر محله سکونتی آنها شود

بررسی یافته های تحقیق نشان می دهد که افزایش سطح مشارکت شهروند در مدیریت توسعه شهری می تواند تاثیر بسزایی در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان داشته باشد. ضریب همبستگی میان دو متغیر فوق برابر با ۰/۴۹۶ و سطح معنی داری آنها نیز در سطح ۹۹٪ برابر با ۰/۰۰۰ محاسبه شده است که به درستی فرضیه فوق را تایید می کند. همچنین بررسی یافته های توصیفی تحقیق نیز نشان می دهد که با افزایش میزان مشارکت شهروندی بر سطح احساس امنیت اجتماعی آنها افزوده شده است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷- رابطه بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با ارتقاء سطح امنیت اجتماعی

زیاد	تا حدودی	کم	مشارکت شهروندی احساس امنیت اجتماعی
۹/۲	۱۲/۶	۷۸/۲	خیلی کم یا اصلاً
۱۰/۱	۱۲/۵	۷۷/۴	کم
۸/۸	۱۸/۶	۷۲/۶	تا حدودی
۱۴/۳	۲۱/۵	۶۴/۲	زیاد
۲۱/۴	۱۵/۶	۶۳/۱	خیلی زیاد

۶-۷- به نظر می رسد میان مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهر و سطح رضایتمندی آنها از زندگی شان رابطه معنی داری وجود دارد.

بررسی ها نشان داد که با افزایش میزان مشارکت شهروند در فرایند برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های مدیریت توسعه شهر، بر میزان رضایتمندی فرد از زندگی نیز افزوده می شود. رابطه بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹٪ برابر با ۰/۰۰۰ بوده و معنی دار



می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی ۰/۴۱۷ نیز گویای ارتباط قوی و مثبت میان مشارکت شهروندی و رضایتمندی از زندگی آن‌ها می‌باشد. جدول شماره (۸) نیز که نشانگر تحلیل توصیفی ارتباط میان متغیرهای فرضیه فوق می‌باشد، نشان می‌دهد که با افزایش سطح مشارکت شهروند در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهر بر میزان رضایتمندی او از زندگی نیز افزوده خواهد شد.

جدول شماره ۸- رابطه بین مشارکت شهروندی و سطح رضایتمندی از زندگی

مشارکت شهروندی رضایتمندی از زندگی	کم	تا حدودی	زیاد
خیلی کم	۷۶/۳	۱۲/۴	۱۱/۳
کم	۷۸/۹	۱۲/۶	۸/۵
تا حدودی	۷۳/۴	۱۷	۹/۶
زیاد	۶۴/۸	۲۰/۷	۱۴/۵
خیلی زیاد	۶۷	۱۶/۹	۱۶/۱

۸- نتیجه‌گیری

رویکردهای نوینی چون نظریه توسعه پایدار شهری را در برنامه‌ریزی شهری می‌توان تأکیدی دانست بر کار بست رویکردهای نوین به انسان، معماری و شهر؛ که اصالت‌هایی همچون اجتماع در مقابل فرد، اخلاق در مقابل منافع و کیفیت در مقابل کمیت از اصول مشترک آن به حساب می‌آیند. بر این اساس اندیشه در باب الگوهای توسعه شهری مستلزم تقیّد توسعه در یک محدوده کالبدی بنام شهر است که جنبه‌ای از فرآیند توسعه را در بر می‌گیرد که با تلفات بر متغیرهای مرتبط با زندگی شهری شکل می‌گیرد، چنانچه متغیرهای مرتبط با زندگی شهری بر رفاه اجتماعی شهروندی تأثیر دارد، بایستی در چارچوب مفهوم توسعه پایدار شهری تبیین گردند. عموم دیدگاه‌های ناظر بر توسعه پایدار شهری، بر توسعه فیزیکی و کالبدی شهر تأکید دارند، این در حالی است که وجوه فرهنگی و اجتماعی توسعه شهری تا حدودی ناشناخته مانده است و این در حالی است که فرایندهای اجتماعی و پویاها و دگرگونی‌های شهر در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و ... تأثیر بسزایی در شکل‌گیری فرم فضایی و کالبدی شهر دارند. بنابراین بدیهی است که برنامه‌ریزی شهر در راستای توسعه پایدار، مستلزم توجه به فرایندهای است که فعالیت‌های شهروندان در حوزه‌های گوناگون خالق آن‌ها هستند و جهت دهی به این فرایندها در راستای توسعه پایدار شهری، نیازمند مشارکت فعالانه و آگاهانه کلیه دانکداران و ذینفعان کلیدی در مدیریت توسعه شهری است. یافته‌های حاصله حاکی از آن هستند که رابطه مستقیم و معنی‌داری میان مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه شهر و میزان رضایتمندی آن‌ها از زندگی‌شان و در نهایت پایداری توسعه شهر وجود دارد. بررسی‌ها نشان دادند که متغیر سطح تحصیلات، دانش و آگاهی شهروندان در کنار قدمت و مدت سکونت شهروند در یک شهر یا



محله، تاثیر اساسی بر سطح مشارکت و درگیری آن‌ها بر فرایندهای مدیریت توسعه شهری دارد. همچنین بررسی‌ها مشخص ساختند که در محدوده مورد بررسی، ارتقاء سطح مشارکت شهروندان و درگیر ساختن آن‌ها در مدیریت توسعه شهر تاثیر بسزایی در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان در قالب متغیرهایی چون سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی شهروندان با یکدیگر، هویت‌مندی و احساس تعلق مکانی شهروند نسبت به شهر و محله خود، احساس امنیت اجتماعی شهروند و سطح رضایتمندی آن‌ها از زندگی‌شان دارد

۹- پیشنهادها

برای ارتقاء جایگاه مشارکت مردم در مدیریت شهری به طور قطع بایستی راهکارها در دو سطوح کلان و خرد مورد بررسی قرار گیرند. مهم‌ترین نکته در سطوح کلان، تقویت جایگاه قانونی شورای شهر و ارتقاء آن از شورای شهرداری به شورای همه نهادها و سازمان‌ها و گروه‌های دخیل در مدیریت توسعه شهر می‌باشد. همچنین استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها و ... برای افزایش میزان آگاهی مردم و مدیران شهری در خصوص اهمیت و ضرورت مشارکت شهروندان در اداره امور می‌تواند گامی موثر باشد. در سطوح خرد نیز، اعتقاد و الزام مدیران شهری به ارزش قائل شدن برای دیدگاه‌های شهروندان نکته‌ای کلیدی است که متأسفانه در اکثریت قریب به اتفاق مدیران شهری چنین چیزی صادق نمی‌باشد و عملاً آنچه که مدنظر مدیران شهری می‌باشد، مشارکتی شعاری و شاید محدود باشد و نه مشارکتی واقعی. تا زمانی که چنین اعتقادی در مدیران شهری ایجاد نشود، اعتمادی میان شهروند و مدیر شهری شکل نخواهد گرفت و هر دو طرف موضوع به مسئله مشارکت نگاهی ابزاری خواهند داشت. به دنبال ایجاد اعتقاد و اعتماد، می‌توان از طریق ابزارها و فعالیت‌های تشویقی و قانونی به بهبود فرایند مشارکت کمک نمود. ابزارهایی چون نظر خواهی از شهروندان در مورد طرح‌ها و برنامه‌های شهری، ایجاد نمایشگاه‌هایی با محوریت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، همکاری مدیریت شهری با آموزش و پرورش برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی در خصوص مشارکت شهروند در مدیریت شهری از سنین کودکی و نوجوانی، استفاده از سیستم‌های اصلاً رسانی جدید مانند اینترنت، تلفن و ... شفاف‌سازی فعالیت‌های سالانه مدیریت شهری در حوزه‌های مختلف عمرانی، مالی، برقراری ارتباط‌های مستقیم میان شهروندان و مدیران شهری، تشویق و توسعه تشکل‌های مردم نهاد فعال در حوزه مدیریت شهری و ...





۱۰- منابع

- (۱) ارسطو (۱۳۶۴)، سیاست، ترجمه‌ی عنایت خوارزمی، تهران.
- (۲) افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی؛ ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ نخست، تهران.
- (۳) پاپلی یزدی، محمدحسین و دیگران (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
- (۴) سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی برای قلعه آبکوه مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- (۵) سردارنیا، خلیل‌الله و همکاران (۱۳۸۸)، تاثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی؛ مطالعه موردی شهر سبزوار، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۵-۱۶۶.
- (۶) شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- (۷) شفیعی، حسن (۱۳۸۱)، شوراهای و نهادهای سیاسی، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۱، تهران.
- (۸) طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰)، مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- (۹) عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا، چاپ اول، تهران.
- (۱۰) فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، چاپ نخست، تهران.
- (۱۱) محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره یک، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۲) نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- (۱۳) نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (مسائل نظری و چالش‌های تجربی)، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- (۱۴) تقوایی، مسعود و دیگران (۱۳۸۸)، تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی منطقه ۴ شهر تبریز)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، صص ۱۹-۳۶.
- (۱۵) دانشپور، عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۸)، بررسی نقش مشارکت شهروندان در اجرای طرح‌های نوسازی بافت فرسوده، فصلنامه پژوهش مدیریت شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۶۰-۷۰.





(۱۶) حکمت نیا، حسن و دیگران (۱۳۸۵)، تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۸۰، صص ۱۲۱-۱۳۶.

(۱۷) Clark, P. (۱۹۹۴); *Citizenship*, A Reader, London, Pluto press.

(۱۸) Held, D. (۱۹۹۶); *Models of Democracy*, Cambridge, Polity Press.

(۱۹) Driskell, David (۲۰۰۲), *Creating Better Cities with Children and Youth, A Manual for Participation*, London and New York, EARTHSCAN publication.

(۲۰) Kweit, M. G. and Kweit. R. W (۲۰۰۷), *Participation, Perception of Participation, and Citizen Support*, American Politics Research, Number ۳, Volume ۳۰.



This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.